

# سرمايه گذاري بهتر

## کاندو در شهر Dana Point / Monarch Beach

Gated- کاندو نزدیک سواحل Salt Creek با مساحت ۱۲۰۰ اسکوئر فیت، دو اتاق خواب، دو حمام، اتاق نشیمن، اتاق ناهارخوری، ریمادل شده، در بهترین منطقه اورنج کانتی، نزدیک St.Regis و RitzCarlton چند قدمی سواحل Salt Greek Beach با موقعیت رشد فوق العاده فقط ۵۳۵/۰۰۰ دلار.

## زمینهای فوق العاده برای سرمايه گذاري

### نواحی Barstow

۱۶۰۰ ایگر ۲۶۴۰ X ۲۶۴۰، ۱۲ مایل شمال اتوبان ۵۸، ۱۱ مایل شرق اتوبان ۳۹۵ - تمام زمین صاف است. در شهر رو به رشد Lockhart قابل تفکیک فقط ۲۴۵/۰۰۰ دلار

MLS #S362760

### نواحی Barstow

۹۲ - ایگر فوق العاده خوش قواره به شکل ال بسیار مناسب برای تفکیک. ۱۲ مایل شمال اتوبان ۵۸، ۱۱ مایل شرق اتوبان ۳۹۵، تمام زمین صاف است. در شهر رو به رشد LockHart فقط ۱۴۵/۰۰۰ دلار.

MLS # S362818

- زمینی به مساحت ۱۰ ایگر در منطقه California City, Aerial Acres بسیار خوش قواره، مناسب برای سرمايه گذاري دراز مدت فقط ۳۹۷/۵۰۰ دلار

MLS # S362842

- زمینی به مساحت ۲۵ ایگر، ۱۷ مایل شمال غربی شهر رو به رشد Adelanto مناسب برای سرمايه گذاري دراز مدت فقط ۸۵/۰۰۰ دلار

MLS # S362794

- زمینی به مساحت ۵ ایگر، در شهر Adelanto در خیابان Adelanto Rd نزدیک فرودگاه، رو به رشد و استثنایی Southern California Logistic Airport به قیمت فوق العاده ۴۵/۰۰۰ دلار

MLS # S362812

- زمینی به مساحت ۸۷۰۰ اسکوئر فیت با Zoning R1-3 در شهر Hesperia ده قدمی، Main St. فقط ۴۰/۰۰۰ دلار

برای دریافت اطلاعات بیشتر برای

سرمايه گذاري و خريد ملك های تجاري

با خانم مريم تماس بگيريد

Tel:(949) 495-5335

Fax:(714) 242-1957



در بخشی از تورات که معلوم نیست چه کسی و چه زمانی آن را نوشته است خداوند اسرائیل؟!... به یهودیان دستور می دهد به سرزمین خودتان بروید... و آن جا را تصرف کنید. و من خودم با گوشه های خودم از بخش فارسی صدای اسرائیل شنیدم و البته آن را ضبط نکردم تا سندی در دست باشد... در ماه جون و یا جولای ۲۰۰۴ میلادی بعد از پایان اخبار و تفسیر سیاسی یک آقای دانشمند مذهبی توضیح می دادند که **خداوند اسرائیل به قوم بنی اسرائیل دستور داد که به سرزمین موعود بروید و با همه بجنگید و همه جا را بگیرید...** زمین ها مال شما هستند و انسانها برده شما خواهند بود!؟!...

ملت اسرائیل و ملت فلسطین هر دو را می شود به سه بخش تقسیم نمود... یک گروه روشنفکر و واقع بین که بر این باور هستند که هر چه بوده و هر چه شده است را به فراموشی بسپاریم حالا ما این طرف خط هستیم و آن ها آن طرف خط ... بهتر است به هم لبخند بزیم و همدیگر را دوست داشته باشیم و با هم دوستانه ... برادرانه همکاری بکنیم... بعد از این گروه

هستید... همان طور که آن عزیز گرامی جناب **موشه کسو Moshe Kassav** که رئیس جمهور اسرائیل شده اند... و اتفاقا یزدی و همشهری آقای خانمی هستند و شاید دیگر در تاریخ تکرار نشود که دو نفر که هر دو اهل یک شهر هستند همزمان رئیس جمهور دو کشور جهان باشند.

اگر به شما در آلمان چپ چپ نگاه می کنند... به مردمان فلسطین در سرزمین خودشان چپ چپ نگاه می کنند...

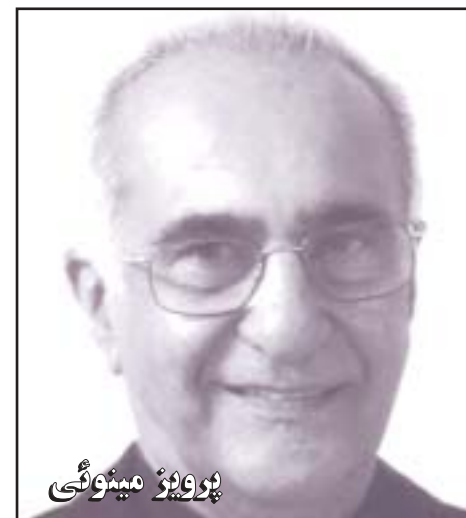
بسیاری مردم تصور می کنند کشور اسرائیل بعد از جنگ جهانی دوم و بعد از شکست هیتلر به وجود آمده است در حالی که اینطور نیست و در واقع فکر تشکیل کشور اسرائیل بعد از پایان جنگ جهانی اول و شکست کشور عثمانی به وجود آمد.

بعد از آنکه هلاکوخان مغول ... با راهنمایی خواجه نصیرالدین طوسی آخرین خلیفه عباسی را به قتل رسانید... غلامان خلیفه که تبارشان از ترک های آسیای مرکزی بود و آل عثمان خوانده می شدند و در ترکیه به امیری رسیده بودند ادعای خلافت کردند و چندین

## هر کس در خانواده ای به دنیا آمده است و معمولاً همان دینی را دارد که پدر و مادرش داشته اند و لذا به طور معمول دین هم مانند بسیاری چیزهای دیگر ارثی است.

می رسیم به اکثریتی که به دنبال کسب و کار خود هستند و گاهی به حرف های دوستانه گوش می دهند و گاهی حرف های خصمانه آنان را تحریک می کند و باز می رسیم به اقلیت خشمگینی که مشت ها را در هوا تکان می دهند و این انسانهایی که وجود خودشان را خانه کینه و خرافات و خود برتری بینی کرده اند و تا کسی حرفی بزند او را خائن و ترسو و نامرد می خوانند... با شعارهای خود بر جامعه سلطه دارند... اگر اسرائیلی باشند به دنبال از نیل تا فرات هستند... که خدا به آن ها بخشیده است؟! و اگر فلسطینی باشند بر این باور هستند که یهودیان را باید تا آخرین نفر به دریا انداخت؟!... و بیچاره اکثریت دو ملت که قربانی این نفرت و قربانی نیرنگ بریتانیا هستند... یک مادر اسرائیلی آرامش ندارد... تا فرزندش با اتوبوس مدرسه، سالم به خانه بیاید و بمبی منفجر نشود و یک مادر فلسطینی که فرزند خودش را در آغوش خویش خوابانیده است نگران موشکی است که شبانه سقف اتاق را بشکافد و داخل شود... باز هم با هم گفتگو خواهیم داشت.

قرن با نام خلفای عثمانی بر نیمی از دنیای متمدن آن روزگار حکومت کردند و در جنگ جهانی اول کشور عثمانی شکست خورد و تکه هایی از آن جدا شد... از جمله عربستان سعودی، عراق، سوریه، لبنان، فلسطین و و... از آن جدا شد و این کشورهای جدا شده از دولت عثمانی... هر یک تحت قیمومیت یکی از کشورهای اروپایی قرار گرفتند و از جمله سرزمین فلسطین تحت قیمومیت انگلیس قرار گرفت و به زبان ساده تر مستعمره انگلیس شد و انگلیس ها بدشان نمی آمد که یک سرزمین یهودی را در قلب کشورهای مسلمان عربی به وجود بیاورند و تجربه تازه ای از کاشتن بذر کینه و دشمنی را، آزمایش کنند و به این ترتیب اجازه دادند تا حدود دویست هزار نفر یهودی به کشور فلسطین مهاجرت کنند و این مهاجرت بسیار دوستانه بود یهودی ها رفتند و گشتند و در تورات آیه هایی را پیدا کردند که خداوند در انحصار قوم یهود بود؟!... **خداوندی که تنها خدای قوم بنی اسرائیل بود!**... سرزمین موعود را به اسرائیلیان واگذار می نمود. و می گفت از نیل تا فرات سرزمین شماست !!!...



پرویز میهنوالی

■ دین ارثی است در صورتی که شرایط عادی و معمولی باشد ولی برای خانواده ای که مسلمان شیعه باشند و به اروپا و یا آمریکا مهاجرت کرده باشند شرایط عادی نیست و در فشار قرار می گیرند و این فشار واکنش های گوناگونی را سبب می شود بعضی مسیحی می شوند... بعضی می گویند واسطه ها را حذف کرده ایم و مستقیماً به خدا عبادت می کنیم و بعضی منکر همه چیز می شوند و بعضی در دین تجدید نظر می کنند و بخش هایی را سبک و سنگین می کنند.

من در بسیاری از نوشته ها به لزوم بازسازی دره اورهای مذهبی شیعه اشاره هایی داشته ام و چون خودم در یک خانواده شیعه مذهب به دنیا آمده ام ، کند و کاوهای من کمتر سبب رنجش می شود... چون دارم از خودم و از باور خودم انتقاد می کنم و از این بار می خواهم تجربه بزرگتری داشته باشم و بازسازی همه دین ها را مطرح کنم و لازم بدانم .

در یک نوشته نمی توان به همه دین ها اشاره کرد و همه دین ها را بررسی نمود ولی می شود به برخی اشاره ای داشت.

از پیش به این دیدگاه خودم اشاره بکنم که در من هیچ پیش داوری نسبت به هیچ دین و هیچ نژادی وجود ندارد ، برای من هندی بودایی یا چینی پیرو کنفوسیوس و آلمانی مسیحی و عرب مسلمان سنی و ایرانیان زرتشتی یا بهایی یا یهودی یا شیعه همه برابرند... سال هاست که به خودم تلقین کرده ام که تعصبی نداشته باشم و همه را برابر بدانم و **اتفاقاً هنگامی که نویسندگان و گویندگان و شاعران دم از آریا می زنند و اشاره به نژاد به قول آنها خالص آریا...؟! می کنند من چندشم می شود و بی اختیار وجودم پر از خشم می شود.**

و از این که در دنیایی که همه روشنفکران و همه سازمان های پیشرفته جهانی دارند باورهای برابری نژادها را رواج می دهند و در زمانی که هم میهنان ما در اروپا از نژاد پرستی رنج می برند و نژاد پرستی مردمان اروپا، مثل کاردی پوست و گوشت آن ها را شکاف می دهد... چطور یک ایرانی... آن هم ایرانی که خودش را روشنفکر و متعهد می داند... بدون شرمساری...! از نژاد برتر؟!... آریا؟! از نژاد خالص؟!... آریا می گوید و حالش بهم نمی خورد؟!... من که حالم بهم می خورد...

**من افتخار می کنم به باورهای نیاکانم ، که ایران را سرزمینی برای همه دین ها... برای همه نژادها... برای همه زبان ها می دانسته اند و برای من دین بودا و کنفوسیوس و زرتشت و محمد و**

باز کرد و به دست من داد و من چنین خواندم :  
"کشتی ما از بحر باسفیک می گذشت ... و من رو به دوستم کردم و گفتم یا باید بگویم "آقیانوس کبیر" یا باید بگویم "پاسفیک اوشن" این جا که آقیانوس را "بحر" یعنی دریا خوانده اند و "کبیر" یا "ساکن" یا "پاسفیک" را "باسفیک" خوانده اند... زبان روز و باور روز و حرف روز نیست و ...

با این پیش گفتار طولانی می خواهم وارد بحث اسرائیل و فلسطین بشوم ... آن هم نه در جهت راهنمایی برای حل مشکل که به نظر من با باورهای دو طرف مشکل حل نشدنی است ... بلکه در بیان آن که مشکل چقدر بزرگتر از آن است که به نظر می رسد.

همان طور که گفتم من همواره سعی کرده ام پیروان همه دین ها را دوست داشته باشم و به ویژه هم میهنان کلیمی خودم را بسیار دوست دارم و به وجودشان



## اسرائیل و فلسطین

موسی و عیسی و بهیا و ... همه برابرند و قابل ستایش و همه هم ، لازم به گردگیری و اصلاح هستند... دستورهایی که در سه هزار سال پیش و دو هزار سال پیش و هزار و چهارصد سال پیش و یا سیصد سال پیش برابر زمان و پیشرفته بوده اند. امروز هم گرد و خاک گرفته اند و هم کهنه شده اند...

سال های پیش ... تازه تحصیلاتم به پایان رسیده بود دوستی داشتم که بهایی بود و برای من بسیار عزیز و گرامی بود و شبها و روزها را با هم می گذرانیدم . سعی داشتم برای من تبلیغ کند و مرا به دین بهایی راهنمایی کند... یک کتاب دینی بهایی در دستش بود... گفتم مثل کتاب حافظ فالی بگیر و هر صفحه ای که آمد بده من برایت بخوانم و ایرادش را برایت بگویم ... صفحه ای را

افتخار می کنم و می دانم بسیاری از پیشرفتهای فرهنگی و هنری کشورمان مدیون کلیمیان عزیز است و در خارج از کشور و در آمریکا به ویژه در کالیفرنیا با پیروزی های خودشان برای من و مانند های من افتخار می آفرینند و به ویژه آن آقای رئیس جمهور یزدی کشور اسرائیل را دوست دارم و به او افتخار می کنم و او را می ستایم که چه انسان که در کشور اسرائیل و با آن باورها!! که به آن اشاره ای خواهم داشت ... به مقام ریاست جمهوری دست پیدا کرده است ...

مطلب برای سه شماره تهیه شده است و لذا از مقدمه طولانی نگران نشوید و قبل از رفتن بر اصل مطلب اجازه می خواهم خاطره ای را

برایتان تعریف کنم . خاطره خارج از موضوع نیست و ذهن را آماده ترمی کند تا پذیرای مطلب ها باشد.

در سال های آخر حکومت پیشین ، من در شرکتی کار می کردم که صاحبان شرکت برخی مسلمان و برخی کلیمی بودند و لذا با کشور اسرائیل بده بستان داشتند. صاحبان کلیمی این شرکت در شرکت دیگری هم سهامدار بودند که در کار مرغداری و تولید جوجه فعالیت داشت و قرار شد یک شرکت ایرانی اسرائیلی درست کنند که در کار "ایزولاسیون" یا "عایق کاری" فعالیت داشته باشد. آن روزها بانک ها به راحتی به مرغداران وام می دادند و در گوشه به گوشه کشور سالن های مرغداری ساخته می شد. این سالن ها باید در زمستان گرم شوند و در تابستان خنک شوند و لذا احتیاج به "عایق" های دیواری و سقفی داشتند تا در مصرف انرژی صرفه جویی بشود و من شدم مسئول این شرکت جدید عایق

کاری و تکنیسین ها و مهندس های اسرائیلی می آمدند و می رفتند و بعضی به مدت طولانی می ماندند و همه هم به من احتیاج داشتند. کجا بروم ... چی بخورم ... از کجا سوغاتی بخرم ... و و و... با دوتای آن ها بیشتر رفیق شدم یکی به نام الیاس و یکی به نام دیوید یک روز آقای دیوید سر خودش را نزدیک آورد و آهسته دم گوش من گفت : **می دانی این الیاس یک عرب یهودی است؟!**

نمی دانم به نکته پی بردید یا نه ؟ دیوید می خواست بگوید که چون خودش یک یهودی است با تباری از اروپای غربی یا اروپای شرقی... لذا بر آن الیاس ، که یهودی عرب تبار است برتری دارد!... درد را احساس می کنید؟ همین درد را فلسطینی ها احساس می کنند و همین ، یکی از ریشه های نفاق و دشمنی است.

ممکن است شما به یک کشور غربی مهاجرت کرده باشید و بگویید اگر این نوع برخورد دردآور است ... در این کشور هم با من و مانند های من به همین گونه برخورد می کنند... البته این نوع برخورد هر جا باشد بد است ... ولی شما سرزمین خودتان را رها کرده اید و به سرزمین بیگانه آمده اید و کوشش می کنید با درس خواندن بیشتر... با کار زیاد... با فکر بهتر... بکوشید تا خودتان را در مرحله های بالای جامعه قرار دهید تا آن تحقیر را از بین ببرید... آن قدر بالا باشید که به ذهن آن ها خطور نکند که چون شما خاورمیانه ای هستید... پس پایین تر